



همگان ترامپ را مسئول کشتار غیرنظامیان در ایران میدانند، و بتردید هم چنین است. او موجودیست پریشانعل، خونریز، خودستا و پایبند به هیچ اصول انسانی نیست نه خود را مقید به ضابطهای اخلاقی میداند و نه برای شرافت و وجدان اعتباری قائل است. بنابراین، مسئولیت این جنگ و جنایات برخاسته از آن، بیواسطه بر عهده او، رژیم جنگطلبش و هر کشوریست که آگاهانه و عامدانه بر این جنایات جنگی چشم فروبسته‌اند. ولی باینهمه، فهم این مساله بدون درک حقیقتی تاریخی ناقص خواهد ماند که ترامپ عارضه است، نه بیماری. بسیار پیش از آنکه بمبها بر ایران فرود آیند، این الگوی جنایتکاری آمریکایی تاریخی درازی داشته است تاریخی که از حد فورانهای مقطعی خشونت و وحشیگری بسی فراتر رفته و در امتدادی عمیق، ساختاری و ریشه‌دار تداوم یافته بود.

نخست، آنگاه که جمعیت‌های بومی سرزمینی که امروز ایالات متحده خوانده میشود با نسلکشی و تاراج سرزمینهایشان روبه‌رو

شدند - از مردمان و ملت‌های پیکوات و ساسکوهانوک در خاور، تا تیموکوا در جنوب، و یوکی و یاهی در کالیفرنیا، که قوم اخیر تا واپسین تن از آنان را از میان بردند - و در کل آنچنان به‌گونه‌ای نظاممند نابود شدند، تا بدانجا که از آنان جز شماری ناچیز بر جای نمانده و نه تنها از مالکیت سرزمین‌های نیاکانی خویش محروم شده‌اند، بلکه آن بازماندگان که امروز در مناطق اختصاصی محصور و در مناطقی که عملاً به اردوگاه‌های بازداشت‌های جنگی میمانند به بند کشیده‌اند اشکال‌ترین هولناک‌آمریکا پوستان سیاه که آنگاه یا [1] (Dunbar-Ortiz, 2015; Calloway, 1997; Stannard, 1993) به‌زنجیر کشیدن، لینچ‌کردن و جداسازی نژادی را تحمل کردند؛ آنگاه که بمب‌های اتمی بر هیروشیما و ناگازاکی خالی شد؛ یا ده‌ها هزار تن بمب بر ویتنام، کره، افغانستان، عراق، لیبی، سوریه و ده‌ها سرزمین دیگر فرو ریخت که نام بسیاری از آنها یا در حافظه جهان رنگ باخته یا یکسره از آن زدوده شده است؛ آنگاه که ایالات متحده دستگاه بیانسانی را به کمال رساند - با تجاوز به کشورهای مستقل، تاراج ثروت‌هایشان، ترور رهبران سیاسی، ربایش گسترده غیر نظامیان، اعمال شکنجه صنعتی بر بازداشت‌شدگان، نهادینه‌کردن تجاوز جنسی و به‌جرا گذاشتن آن تحقیر و خوارسازی سادیستی و سازمانیافته‌ای که ابوغریب به نماد آن بدل شد؛ آنگاه که ایالات متحده دولتهای مستقل را، از گواتمالا در سال ۱۹۵۴ تا شیلی در سال ۱۹۷۳ و **نظام شاهنشاهی در سال ۱۹۷۹ سرنگون ساخت** [2] و امروز نیز از طریق محاصره اقتصادی، گرسنگی را بر کوبا تحمیل میکند؛ آنگاه که در آغاز سده بیستم کارزار وحشیانه «آرامسازی» را در فیلیپین به اجرا گذاشت - با استفاده از اردوگاه‌های بازداشت جمعی و شکنجه نظاممند - و بعدها از کشتارهای نسل‌کشان در گواتمالا و اندونزی پشتیبانی کرد - در هیچ‌یک از این فجایع ترامپ نقشی نداشت. با اینحال، همه آن جنایات رخ دادند؛ همگی در چارچوب رژیم صورت گرفتند که نقاب تمدن بر چهره دارد، به زبان آزادی سخن می‌گوید، نام خدا و اصول دموکراسی را بر زبان می‌راند و در همان حال مرتکب جنایاتی در چنان ابعادی میشود که اگر هر کشور و ملت دیگری حتی بخشی از آنها را مرتکب شده بود، اعمالش بیهیچ تردیدی جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت خوانده میشد. از این دید، مساله نه انحراف یک رئیس‌جمهور از سنت سیاسی آمریکا، بلکه آشکارشدن پیرویه منطقی است که پیش از او نیز بارها عمل کرده بود. در نتیجه، ترامپ این رژیم غیر انسانی را پدید نیاورد؛ او تنها نقاب از چهره پلیدش برداشت. او منشأ بیماری نیست؛ نشانه و عارضه سرطانی‌گشونده است - میراثی استعماری که اکنون به آستانه فروپاشی و تجزیه رسیده و واپسین تشنجهای مرگبار خود را بر جهان تحمیل میکند.

دوم، مارک مازوور در سال ۲۰۰۹، در بررسی مهم خود از میراث خونین اروپا، به‌دروستی خاطر نشان ساخت که نازیسم افراطی‌ترین تجلی یک سنت امپریالیستی قاره‌ای بود، نه گسستی ناگهانی و بی‌سابقه از آن. اهمیت این نکته دقیقاً در آن است که نازیسم را نمیتوان صرفاً چونان استثنایی بیرون از تاریخ اروپا فهمید؛ بلکه باید آن را در پیوند با سنت‌های دیرپای سلطه، سلسله‌مراتب نژادی و توسعه‌طلبی امپریالیستی همان قاره دید (Mazower, 2009). بر همین قیاس، ایالات متحده نیز وارث همان سنت و همان پویایی ویرانگر اروپاست؛ با این تفاوت که آن پویایی، به یاری ظرفیتهای فناوریانه، نظامی و جغرافیایی بسیار گسترده‌تر، تا مرتب‌های بسط یافته که حتی هیتلر نیز نمیتوانست ابعاد آن را تصور کند، چنانکه در نوشتار دیگری نشان داده‌ام (Pahlav-Suren, 2026a)، آمریکا یک رژیم ابرتروریستی است - رایش سومی که استروئیدهای آنابولیک در رگ‌هایش تزریق و پوشیده در جامه فریبنده آزادی و آراسته به نمایش ریاکارانه استثنائگرایی است. برتری فناوریانه و دامنه دسترسی جهانی آن، این رژیم ضد انسانی را قادر ساخته است تا آنچه نازیها تنها در مقیاسی قاره‌ای توانستند با اجرا درآوردند، در مقیاسی جهانی عملی سازد. از اینرو، آمریکا را بایستی بعنوان واپسین بازمانده استعمار فرسوده جهان قدیم و واپسین پاسدار سلسله‌مراتبی نژادی دانست که بخش عظیمی از بشریت مدتهاست از آن گذر کرده و بزرگترین تهدید وجودی علیه بقای بشر در سراسر تاریخ بشمار آید.

در این چارچوب، کشتار نزدیک به ۳۵۰۰ غیرنظامی در ایران طی جنگ تجاوزکارانه^۱ غیرقانونی اخیر که اسرائیلیها آن را آغازگر آن بودند (Pahlav-Suren, 2026b)، از جمله قتل عمد ۱۶۸ دانش‌آموز در میناب و تازه‌ترین یورش به محل برگزاری مراسم عروسی در کوهستک در ۱ سپتامبر ۲۰۲۶ که نزدیک به ۷۰ تن، از جمله کودکان، در آن کشته و زخمی شدند (Erickson and Hafezi, 2026)، نمیتواند چون مجموعه‌ای از لغزشهای تصادفی یا خطاهای موردی فهمیده شود. این رخدادها، در کنار الگوی گسترده‌تر و تاریخ کشتار بیگناهان، نسلکشی و آدمکشی جمعی از سوی آمریکا، نه خطا یا سوءمحاسبه^۲ نظامی و سیاسی، بلکه خود هسته^۳ دکترین سیاسی ایالات متحده‌اند. فروکاستن چنین جنایاتی به خطای محاسباتی، به همان اندازه بیاعتبار است که پاکسازی قومی نظام‌مند نازیها را صرفاً لغزشی عملیاتی قلمداد کنیم. در این منطق، خشونت نه حادثه‌های بیرونی و استثنایی، بلکه جزئی از سازوکار قدرت است.

نیز از همین روست که وحشیگری و خشونت در تار و پود فرهنگ و هویت ملی این کشور تنیده است؛ جامعه‌های که در آن حق حمل سلاح و عشقورزی و شیفتگی به جنگافزار، جنگ و فیلمهای اکشن نه صرفاً سرگرمی و تفریح، بلکه از آیینهای بنیادین فرهنگ عموماًند؛ آیینهای جامعه‌های که قساوت و خونریزی را میستاید، آن را در زندگی روزمره بازتولید میکند و سپس نامش را صدور آزادی میگذارد. بنابراین، پیوند میان قدرت نظامی در بیرون و فرهنگ خشونت در درون، در این معنا، تصادفی نیست؛ هر یک دیگری را بازتاب میدهد و مشروعیت میبخشد. بااینهمه، چنانکه گفته شد، آمریکا رو به مرگ است و با از میان رفتن آن، مردمان جهان واپسین میراث استعمار کهن را به خاک خواهند سپرد و راه برای عصری تازه گشوده خواهد شد؛ عصری که در آن میتوان نخستین سنگهای صلح جهانی را بر گور و لاشه^۴ آمریکا نهاد.



تا آن زمان - و سرانجام خطاب به آن ایرانی‌نمایان نادان برونمرز، بویژه ساکن آمریکا که همچنان این افسانه و دروغ را رواج می‌دهند که جنگ تجاوزکارانه [آمریکا علیه ایران، جنگی علیه رژیم اسلامی است (Pahlav-Suren, 2026c): یا در این جنایت همدستید، یا از نظر بالینی به حماقت مبتلا می‌باشید. البته حماقت و عدم شرافت این جماعت آن اندازه آشکار است که حتی ترامپ، یکی از احمق‌ترین و بیش‌فترین رؤسای جمهور آمریکا، در برابر سران کشورهای گروه هفت (G7) و در جریان نشست آنان در فرانسه، این عده را خوار و به سخره گرفت و اعلام کرد: «حتی یک ملت هم نزد ما نیامده است که بگوید: قربان، خواهش می‌کنیم، همچنان بر سر [هم میهنان]شان بمب بریزید. خواهش می‌کنیم بمباران را ادامه دهید. این حرف را آدم‌های احمق می‌زنند...» (Office Publishing Government States United; 2026, House White The, 2026). البته درخواست بمباران از سوی این دون مایگان، که رضا پهلوی، بازمانده ناخلف دو شاهنشاه بزرگ پهلوی و [تیم ایرانفروش او \(فرزندان آیتالله\)](#) نیز در شمار آنانند، خود زخمی دیگر بر پیکر ایران نهاده و لکه [ننگی بر دامن تاریخ این سرزمین ثبت کرده است. این گروه اندک و خوار، که کوشیده‌اند خویشتن را در مقام صدای ملت ایران بنشانند، از این پس نه تنها اعتبار سیاسی خویش، بلکه حیثیت ملی را نیز بر باد داده‌اند. دیگر باسانی نمیتوان از ایرانی به‌عنوان مردمی شجاع و دلاور یاد کرد که در دفاع از میهن جان بر کف مینهد؛ چه، کردار اینان تصویری دیگر بر جای می‌گذارد: تصویری از ملتی بیشرف و خائن؛ وارث همان چوپانی که راه را به اسکندر نشان داد، فرزندان مازیار که به بابک خیانت ورزیدند، زادگان مابهور خشبوذان، نامی به سلمان بن عبدالله [فارسی]، که در یاریرساندن به تازیان در قادسیه و اشغال تیسفون شرکت جست بر گلوله سر پشت از، بریتانیا از پول دریافت برابر در و دستور به، که تنگی غلامحسین بازماندگان و، (Morony, 2009) رئیس‌علی دلواری خالی کرد. ننگ چنین رفتاری تنها بر نام و کارنامه [یک گروه سیاسی نمی‌ماند؛ هنگامی که کسانی مدعی نمایندگی یک ملتند و در همان حال خواهان فروریختن بمب بر سر همان ملت میشوند، خیانت آنان از حدود نزاع سیاسی فراتر میرود و به زخمی در حافظه [تاریخی کشور بدل میشود. از همین رو، آنچه این عده بر جای می‌گذارند صرفاً رسوایی سیاسی خودشان نیست، بلکه لکهای ننگین است که میتواند بر سیمای تاریخی ایران نیز سایه افکند.

باری، کشتار غیرنظامیان، ویرانسازی زیرساختها و تهدید به نابودی هستهای ایران ابزارهای رهایی نیستند؛ سلاحهای نابود یاند. این تمایز باید کاملاً روشن باشد: جنگی که شهرها، زیرساختها و جمعیت غیرنظامی یک کشور را هدف قرار میدهد، صرفاً جنگ با دستگاه حاکم و علیه رژیم اسلامی و حاکمان مستبد و مقدسمآب آن نیست؛ این جنگ علیه ایران است و علیه هر ایرانیای که بر این خاک کهن نفس میکشد. بنابراین، شما با رژیم نمیجنگید؛ با ملت خود میجنگید. شما به کشور و هممیهنان خویش خیانت میکنید و نامتان برای همیشه در تاریخ، بهعنوان همدستان بیگانه و دشمن و ایرانفروش ثبت خواهد شد.

شاپور سورنپهلاو

روز مهر از ماه شهریور سال ۳۷۶۴ بهدینی

۱۱ شهریورماه ۲۵۸۵ شاهنشاهی

۲ سپتامبر ۲۰۲۶ ترسایی

بازبردها [منابع] و فرامودها [توضیحات]:

× - این متن ترجمه فارسی مقاله اصلی است که نخست به زبان انگلیسی نوشته و منتشر شده است. نسخه اصلی انگلیسی مقاله را میتوان از طریق این پیوند مطالعه کرد:
<https://www.suren-pahlav.com/en/trump-is-a-symptom--the-us-is-the-disease.html>

1 - علت اصلی آنکه آمریکا نمیتواند اشغال غیرقانونی فلسطین بهدست اسرائیلیها و جنایات آنان علیه فلسطینیان را محکوم نماید، بدان خاطر است که چنین محکومیتی در حکم محکومکردن بنیانهای خود ایالات متحده خواهد بود. فلسطینیان - که پیش از یورش تازیان به سرزمین لوانت، ساکنان بومی یهودی (عبری) آن سرزمین بودند (Pahlav-Suren, 2010) - از حیث ساختاری در همان جایگاهی قرار دارند که مردمان بومی آمریکا: صاحبان برحق سرزمینی که بهدست جمعیتی مهاجر و بیگانه، برخاسته از اروپا، از آن رانده و نابود شدهاند. ازاینرو، خاموشی و یا همراهی آمریکا با اسرائیل در قبال غزه و کرانه باختری حاصل محاسبهای دیپلماتیک نیست؛ ضرورتی وجودی است - یک دولت استعمارگر مهاجرنشین نمیتواند با دولت استعمارگر مهاجرنشین دیگری مخالفت کند، بآنکه بنیانهای ایدئولوژیک خویش را زیر پرسش برده و از هم بگسلد.

2 - برای اطلاعات بیشتر درباره انقلاب مهندسی شده اسلامی در ایران توسط آمریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان و اسرائیل به این نوشتار نگارنده مراجعه شود: «از توطئه تا انقلاب مهندسی شده: چرا و چگونه کشورهای غربی و اسرائیل نظام شاهنشاهی را سرنگون ساختند؟»:

https://www.suren-pahlav.com/pe/index.php?option=com_content&view=article&catid=1:political-article&id=49:how-west-and-zionism-toppled-shah-of-iran

Calloway, C.G. (1997) *New Worlds for All: Indians, Europeans, and the Remaking of Early America*.
Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press.

Dunbar-Ortiz, R. (2015) *An Indigenous Peoples' History of the United States*. Boston, MA: Beacon Press.

‘[US-Iran strikes raise fears of renewed war across the Middle East](#)’ Hafezi, P. and Erickson, B. (2026) ‘Reuters, 2 September. Available at: <https://www.reuters.com/world/middle-east/us-iran-exchange-attacks-lull-war-appears-over-2026-09-02/> [Accessed: 02 September 2026].

Mazower, M. (2009) *Hitler’s empire: how the Nazis ruled Europe*, New York: Penguin Press.

Morony, M.G. (2009) ‘Madaen’, *Encyclopaedia Iranica*. Published 20 April 2009, last updated 19 November 2012. Available at: <https://www.iranicaonline.org/articles/madaen-sasanian-metropolitan-area/> [Accessed: 02 September 2026].

Stannard, D.E. (1993) *American Holocaust: The Conquest of the New World*, New York: Oxford University Press.

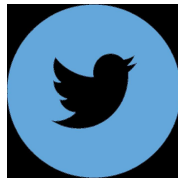
‘[A Historical Fabrication at Its Best: Esther and Purim, From Babylonian](#)’ Suren-Pahlav, S. (2010) ‘

’, suren-pahlav.com (27 February). Available at [Children's Story to Jewish Historical Identity](https://www.suren-pahlav.com/en/historical-fabrication-esther-and-purim-from-babylonian-children-story-to-jewish-historical-identity.html)
<https://www.suren-pahlav.com/en/historical-fabrication-esther-and-purim-from-babylonian-children-story-to-jewish-historical-identity.html> [Accessed: 02 September 2026].

[When the Mask is Off: The United States, War, Terrorism and Genocide](#) Suren-Pahlav, S. (2026a) ‘
’, suren-pahlav.com (19 March). Available at [Without Its Alibi](#)
<https://www.suren-pahlav.com/en/when-the-mask-is-off-the-united-states-war-terrorism-and-genocide-without-its-alibi.html> [Accessed: 02 September 2026].

[The ‘Beautiful Armada’: Perso-Sino Trap and the End of U.S. Hegemony, or](#) Suren-Pahlav, S. (2026b) ‘
’, suren-pahlav.com (28 January). Available at [the Somalisation of Iran](#)
<https://www.suren-pahlav.com/en/beautiful-armada-and-the-perso-sino-trap-the-strategic-unravelling-of-american-hegemony.html> [Accessed: 02 September 2026].

[Annihilation at Iran’s Doorstep: Greed, Delusion, a Cult of Xenophilic](#) Suren-Pahlav, S. (2026c) ‘
’, suren-pahlav.com (29 March). Available at [Iranian Diaspora, and Treason](#)
<https://www.suren-pahlav.com/en/annihilation-irans-doorstep-greed-delusion-xenophilic-diaspora-cult-treason.html> [Accessed: 02 September 2026].



#419ab3

